



معرفت بدون محبت پاسخگو نیست / چه کسانی با قرآن همراه می شوند

یکی از پژوهشگران قرآنی با اشاره به اینکه بعد از معرفت به خدای تعالی بحث ایمان وجود دارد که در درون آن علاقه و عشق نهفته است...

یکی از پژوهشگران قرآنی با اشاره به اینکه بعد از معرفت به خدای تعالی بحث ایمان وجود دارد که در درون آن علاقه و عشق نهفته است؛ معرفت بدون عاطفه را معرفت پاسخگویی ندانست و تأکید کرد: چه بسا کسانی به اموری یقین دارند اما آن را انکار می کنند و دوست نمی دارد. مثل جریان ابلیس و فرعون؛ ابلیس به آنچه خداوند خلق کرده بود یقین داشت اما انکار کرد، پس وقتی محبت نباشد، معرفت یقینی به کار نمی آید. حجت الاسلام سعید بهمنی عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در گفتگو با خبرنگار مهر؛ درباره تأثیر و تأثر دین و محبت گفت: اصولاً محبت یک خصلت انسانی است و یکی از عواطف است؛ عاطفه صرف نظر از کفر و ایمان یک خصلت انسانی است؛ خداوند متعال انسان را با عاطفه آفرینده است و یکی از شعب عاطفه محبت است چنانکه نفرت و غضب هم یکی از شاخه های عاطفه هستند؛ بنابراین دوست داشتن و یا تنفر داشتن از چیزی برای هر انسانی پدید می آید که این مسئله ممکن است در درون انسان به یک خصلت تبدیل شود. محبت پیش از آنکه دینی باشد؛ یک خصلت انسانی است و خداوند همه انسانها را با این خصلت آفریده است و در آیه ای از قرآن سلطان همه محبتها، محبت خداوند ذکر شده است؛ «؛والذین آمنوا اشد حباً لله«؛.

وی تأکید کرد: محبت یک امر اضافی است و باید به چیزی تعلق پیدا کند یعنی انسان همنوع خود را دوست بدارد و دوستان و ارحام خود را دوست بدارد. عواطف انسانی چون از ابعاد وجودی انسان هستند به طور کلی دین برای تمام ابعاد انسانی برنامه دارد و نسبت به شکوفایی انسان در همه ساحات وجودی اش برنامه دارد بنابراین دین باید عاطفه را هم شکوفا کند. اتفاقاً ساحت لذت بخش برای انسان ساحتی است که باعث خوشی و شادمانی انسان می شود و این دوست داشتن است. همانطور که اگر در مجاورت آنچه که دوست دارد اعم از موجودات زنده و غیر از آن قرار گیرد حالت نفسانی پسندیده ای خواهد داشت و اگر از آنها دور باشد حالت ناخوشایندی بر انسان ایجاد می شود.

این پژوهشگر علوم قرآن افزود: ابعاد وجودی انسان را معمولاً سه بعد معرفتی، عاطفی و ملکوتی تقسیم می کنند و محبت خوشایندترین ابعاد عاطفی انسانی است. این بعد خوشایند به قدری در دین مهم است که در برخی روایات آمده است «؛الذین کله محبه«؛. اصولاً بعد از معرفت به خدای تعالی بحث ایمان به خدا بیان شده است.

حجت الاسلام بهمنی تصریح کرد: در درون ایمان، گرایش و علاقه و عشق وجود دارد یعنی معرفت بدون عاطفه، معرفت پاسخگویی نیست چه بسا کسانی به اموری یقین دارند اما آن را انکار می کنند و دوست نمی دارد. در مورد فرعون قرآن می فرماید: «؛وَجَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ«؛. طبق شهادت قرآن، فرعون بعد از آیاتی که حضرت موسی(ع) بر او ظاهر کرد؛ یقین پیدا کرد اما با وجود یقین، انکار کرد؛ چنانکه ابلیس چنین کرد. ابلیس یقین داشت نسبت به آنچه خداوند خلق کرده اما انکار کرد. وقتی محبت نباشد، معرفت یقینی به کار نمی آید.

وی افزود: بنابراین دین بعد از معرفت با عاطفه پا می گیرد و اساساً هر دینی چنین است به ویژه در دین اسلام که این معنا بیش از حد توجه شده است لذا در روایات از دین به عنوان تبری و تولی یاد می شود؛ تولی یعنی دوست داشتن و تبری یعنی بد داشتن چیزی و اینطور نیست که انسان نسبت به پدیده های اطرافش بی اعتنا باشد بلکه نسبت به آنها عاطفه نشان می دهد؛ یا گرایش و یا واگرایی دارد. بنابراین دین در درون خود محبت را لحاظ کرده و آن را پرورش می دهد. چنانچه در زندگی رسول گرامی اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) نمونه هایی از این محبتها را می بینیم.

وی در مورد علت تصویری خشونت آمیز از خاورمیانه با وجود اینکه این منطقه خاستگاه ادیان الهی است؛ گفت: ادعای ما این است که خداوند به عاطفه و این بعد وجودی انسان توجه کرده است و آن را به شایستگی هدایت می کند. اما چرا با وجود قرآن کریم و این همه گزاره هایی که عاطفه را شکوفا می کند، این مسئله در جوامع اسلامی در سطح انتظار نیست؟ در دوره های اخیر به خصوص، بخشی از این تصویر مهندسی شده است و دشمن سعی کرده با اختلاف افکنی بین مسلمین چهره ای خشن از اسلام به نمایش بگذارد و بخشی دیگر از این فضای پر تنش به آموزه های بد خود ما برمی گردد، اگر هم از کشور فتنه گری مثل انگلیس بازی بخوریم به خصلت های درونی خودمان برمی گردد چون از آموزه های اصیل دینی فاصله گرفتیم؛ قرآن می فرماید: «؛اَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءُ بَيْنَهُمْ«؛ شما با کفار بد باشید و با یکدیگر مهربان باشید؛ کفار هم نه اینکه هر کافری را دیدی یقه اش را بگیری بلکه کافری که می خواهد اندیشه خود را تحمیل کند و یا اقدام سوئی علیه شما بکند؛ اما این مسئله در مرحله بعدی است و آیه اولیه در این زمینه «؛ادخلوا فی السلم کافه«؛ شما با هر کسی با صلح و سلامت باشید الا اینکه آنها بنای درگیری و آسیب به شما

داشته باشند؛ زمانی که قصد درگیری و آسیب به شما را داشتند دیگر نمی شود دست بسته با استقبالشان رفت.

رئیس گروه علوم قرآن پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تأکید کرد: در قرآن کریم آیاتی چون#171;... یضل به کثیراً و یهدی به کثیراً و ما یضل به الا الفاسقین؛ ما کمتر به این مسئله توجه داریم که برخی با قرآن کریم هدایت می شوند و هم به وسیله قرآن گمراه می شوند؛#171;... و ما یضل به الا الفاسقین؛ فاسقین شامل هدایت قرآن نمی شوند و به وسیله قرآن گمراه می شوند. به طور مثال این افراد بدون اینکه به درستی نسبت آیات را فهم کنند؛ آن دسته از آیات متشابه را فقط می گیرند مثلاً#171;اشداء علی الکفار؛ را می گیرند اما#171;ادخلوا فی السلم کافه؛ را نمی گیرند و نمی دانند باید در کجا با دشمن درگیر شد و در کجا با دشمن مدارا کرد و وقتی همه کتاب قرآن را نمی گیرند دچار بیماری می شوند.

حجت الاسلام بهمنی در پایان یادآور شد: یا در قرآن آمده که برخی می گویند#171;نؤمن ببعض و نکفر ببعض؛ یعنی ما به برخی از آیات الهی ایمان می آوریم و عمل می کنیم و بخشی از آن را عمل نمی کنیم. قرآن کریم در مورد این افراد می گوید: #171;اولئک هم الکافرون حقاً؛ نمی شود یک بخشی از آیات را گرفت و بخشی دیگر را رها کند وقتی چنین چیزی اتفاق بیفتد یک نوع اسلام بیمارگونه و ناقص از حل مشکلات خود خواهد شد و در این صورت آن توازن بین معرفت و عاطفه و عمل هم به هم می خورد اما آنهایی که محبت دارند و دینشان اصیل و درست است آنها از همه ابعاد اسلام به نحو تام استفاده می کنند.